



# موسیقی و تعزیه

## پژوهشگر - شاهین مهاجری

مقدمه: شکل گیری تعزیه

«تعزیه در لغت به معنای سوگواری و عزاداری است. اما در اصطلاح، نوعی نمایش مذهبی همراه با آداب، رسوم و سنت‌های خاص است.<sup>۱</sup>»

تعزیه همانند تمام مظاهر فرهنگی و هنری ایران زمین، سنتی است که از گذشتگان به یادگار مانده و بر اثر تکامل یافتن شکل‌های اولیه‌ی خود، طی قرن‌ها به فرم و محتوای امروزی دست یافته است.

«از قدیمی‌ترین اشکال آیین‌های سوگواری و مراسم مذهبی ایرانیان می‌توان به تراژدی سیاوش و آیین ستایش میترا اشاره کرد.<sup>۲</sup>» «به نظر می‌رسد که این روحیه‌ی عزاداری از طریق برخی عناصر فرهنگ بین النهرین به ایران راه یافته باشد.<sup>۳</sup>» «پایایی این آیین‌ها به گونه‌ای بود که سنت سوگواری سیاوش تا قرن ۱۳ میلادی در ماوراالنهر تداوم داشته است.<sup>۴</sup>»

«تعزیه را می‌توان مجموعه‌ای از چندین آیین مختلف مذهبی دانست. در واقع این فرم دراماتیک نمایش محصول ترکیب آیین‌هایی مانند سوگواری، نوحه‌خوانی، روضه‌خوانی، دسته‌گردانی، نقالی و امثالهم است.<sup>۵</sup>»

«قدیمی‌ترین فرم مراسم سوگواری به صورت نوحه‌سرایی بوده که با توجه به پیشینه‌ی بسیار کهن آن در تاریخ عرب دور نیست که ارتباطات کشورهای اسلامی در سده‌های نخستین ایران هم تا حدی تحت تاثیر قرار گرفته باشد.<sup>۶</sup>»

«چنین به نظر می‌رسد که در قرن چهارم هجری و در دوره سلسله‌ی آل بویه مراسم عزاداری و سوگواری محرم شکل گرفت. احمد معزالدوله (۲۲۰ تا ۲۵۶ هجری) که موفق به فتح بغداد گردید، نخستین کسی بود که مراسم دهی اول محرم را معمول کرد. این مراسم در بغداد تا اوایل سلطنت سلجوقیان باقی بود.<sup>۷</sup>»

«اولین گزارش‌های سیاحان اروپایی از برپایی مراسم عزاداری ماه محرم مربوط به قرن ۱۶ میلادی است.<sup>۸</sup>» «در این زمان که

مصادف با ظهور سلسله‌ی صفویان بوده، علی‌رغم اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران، برگزاری تعزیه‌خوانی در اوایل این سلسله مرسوم نبوده است. رواج کامل روضه‌خوانی در دوران شاه عباس صفوی (۱۵۸۷ تا ۱۶۲۹ میلادی) صورت گرفت.<sup>۹</sup>» «پیتردولاوله هلندی و آنتونیو دوکوه آ، کشیش لهستانی عصر صفوی در سفرنامه‌های خود به شکل نسبتاً دقیق مراسم عزاداری محرم را شرح می‌دهند. ولی با این حال پس از بررسی ۵۳ سفرنامه‌ی عصر صفوی و متون تاریخی از آغاز صفویه تا پایان عصر نادری هیچ رد پایی از تعزیه بدست نیامد.<sup>۱۰</sup>»

«بعد از خاموشی تعزیه در دوران افشاریان<sup>۱۱</sup>» «در اواخر سلطنت زندیه و با ترکیب آیین‌های مذهبی متفاوت، شکل دراماتیک تعزیه مشخص شد.<sup>۱۲</sup>» «در عهد قاجار، بهترین شرایط برای تکامل فرم و محتوای نمایشی تعزیه مهیا گردید. تداوم مراحل تکاملی تعزیه، شرایط مناسب دوره قاجاریه و تاثیرات اولیه‌ی فرهنگ اروپایی باعث گردید که علی‌رغم حفظ شکل مذهبی تعزیه در روستاها، بافت شهری ایران آن زمان شاهد برپایی تعزیه به عنوان نمایش جدی مذهبی باشد.<sup>۱۳</sup>»

«اوج پیشرفت تعزیه در عهد قاجار مربوط به زمان ناصرالدین شاه است. در این دوره تعزیه با رعایت زمانی رویدادها و با تشریفات مفصل در میدان‌ها و یا در تکایا اجرا می‌شد. تکیه‌ی دولت معروف‌ترین این تکایا



## موسیقی تعزیه

«موسیقی، شعر و نمایش سه عنصر اصلی تعزیه هستند که به هم کاملاً وابسته می‌باشند. موسیقی تعزیه را می‌توان از ۲ جنبه مورد بررسی قرار داد: ۱) موسیقی آوازی ۲) موسیقی‌سازی.

این دو جنبه، ارتباطی تنگاتنگ با متن و جنبه‌های نمایش تعزیه دارند. با این حال، اصلی‌ترین وجه موسیقایی تعزیه، موسیقی آوازی است. این موسیقی از طرفی مبتنی بر موسیقی ردیف و محلی ایران و هم ضامن حفظ آن‌ها بوده است.<sup>۱۵</sup>»

«اساساً پیش از نمایشی شدن تعزیه، مضامین آن به صورت شعر و آواز بیان می‌شد. اسناد قدیمی نشان می‌دهند که در ابتدای رواج تعزیه، آوازخوانان در برابر هم قرار گرفته و اشعار تعزیه را با آواز می‌خواندند.<sup>۱۶</sup>»

## منابع و ماخذ

- ۱) درویشی، محمدرضا. نگاه به غرب، بحثی در تاثیر موسیقی غرب بر موسیقی ایران. ماهور، ۱۳۷۲. ص ۱۳.
- ۲) همان ماخذ. ص ۱۳۴.
- ۳) بیضایی، نیلوفر. نگاهی به تاریخ نمایش در ایران. [www.roshangari.com/farhang/namayesh.html](http://www.roshangari.com/farhang/namayesh.html)
- ۴) درویشی، محمدرضا. همان ماخذ. ص ۱۳۵.
- ۵) همان ماخذ. ص ۱۳۱.
- ۶) بینش، تقی. تاریخ مختصر موسیقی ایران. آروین، ۱۳۷۴. ص ۱۷۷.
- ۷) همان ماخذ. ص ۱۷۸.
- ۸) درویشی، محمدرضا. همان ماخذ. ص ۱۳۱.
- ۹) بینش، تقی. همان ماخذ. ص ۱۷۸.
- ۱۰) نصری اشرفی، جهانگیر. چهارچوب اصلی موسیقی تعزیه موسیقی ردیفی است. مقام، شماره ۵، ص ۵۷.
- ۱۱) بیضایی، نیلوفر. همان ماخذ.
- ۱۲) درویشی، محمدرضا. همان ماخذ. ص ۱۳۲.
- ۱۳) همان ماخذ. ص ۱۳۲.
- ۱۴) بیضایی، نیلوفر. همان ماخذ.
- ۱۵) درویشی، محمدرضا. همان ماخذ. ص ۱۳۶.
- ۱۶) نصری اشرفی، جهانگیر. همان. ص ۵۲.

«ادامه در شماره آینده»